

نگاهی دیگر به تاریخچه‌ی

محضر و دفتر اسناد رسمی



دکتر احمد مهدوی دامغانی
رییس پیشین کانون سردفتران و دفتریاران



به علت حیثیت عظیم علمی و سیاسی و خانوادگی خود و محفوظ بودن خودشان، از معافیت‌های خاصی برخوردار بودند و پوشیدن لباس متحدالشکل متوجه آنان نمی‌شد (مانند سه روحانی طراز اول تهران مرحومان میر سیدمحمد بهبهانی، میر سید محمد امامی امام جمعه،^۱ - حاجی میرزا یحیی امام جمعه خویی) که اینان هم دفتر ازدواج و طلاق شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ را پذیرفتند و هم با این که پسران آنها دفاتر اسناد رسمی را تصدی کنند و یا به خدمت عدلیه در آیند، مخالفت نکردند (این نوشته مبنی بر اطلاعات شخصی نگارنده و بر مراجعاتی است که به عنوان رییس کانون سردفتران ایران، به پرونده‌های مربوطه داشته است).

توضیح:

۱- با مرحوم دکتر سیدحسین امامی امام جمعه‌ی اخیر مسجد شاه طهران اشتباه نشود.

□ در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۱۱ ش (۱۹۳۲ م) تا سال ۱۳۱۴ ش (۱۹۳۵ م) که در حقیقت سال ۱۳۱۴ را (به مناسبت وقوع حادثه‌ی «مسجد گوهرشاد مشهد» در مرداد ۱۳۱۴) باید سال گسسته شدن قطعی روابط روحانیت شیعه با سلطنت پهلوی اول و دستگاه اداری و سیاسی او دانست، وزارت عدلیه و شخص مرحوم علی‌اکبر داور به شدت در مقام جلب همکاری روحانیان و خصوصاً علمای متشخص و مشهور شهرهای بزرگ برآمد تا بلکه بتواند در دیوان عالی تمیز و دستگاه‌های قضایی بدایت و استیناف و نیز در دفاتر اسناد رسمی جدیدالتأسیس چهره‌های معروف و محتشمی از روحانیت را بگنجانند و تا حدی نیز در این کار موفق شد. داور هم این طبقه‌ی قضات را به عدلیه آورد و هم‌چنین بر اثر تقاضا و تمنای مأمورین عالی‌رتبه دولت و گاه با اصرار و استدعای خود مرحوم داور از بعضی از سرشناسان روحانی و بُردن یک جلد دفتر به همراه رییس ثبت اسناد به خانه‌ی آن سرشناسان، تصدی بسیاری از دفاتر اسناد رسمی، و یا دفاتر ازدواج و طلاق (که برابر قانون خاص ازدواج مصوب مرداد / ۱۳۱۰ تشکیل یافته بود) بر آن علمای بزرگ «تحمیل» شد و حتی گاه این تحمیل با تهدید و ندرتاً با بعضی تطمیعات صورت می‌گرفت. برخی از مشهور شهرهای مختلف که برای فرار از قبول دفتر که لازمه‌ی آن وابستگی به دولت و مآلاً ترک لباس روحانیت و پوشیدن لباس «متحدالشکل» بود، از ملاقات مأموران عالی‌مقام دولت (مثل حکام و رؤسای عدلیه و شهربانی) امتناع و یا تمارض می‌کردند، مجبور به مهاجرت از شهر خود به شهر دیگری می‌شدند - برخی دیگر از اعظام علماء نیز به جهاتی (و از جمله اطمینان بر صحت اجرای عقود ازدواج و ایقاع طلاق) الزاماً تصدی دفتر ازدواج و طلاق را که وابستگی چندانی به دولت نداشت، پذیرفتند، زیرا آنان

